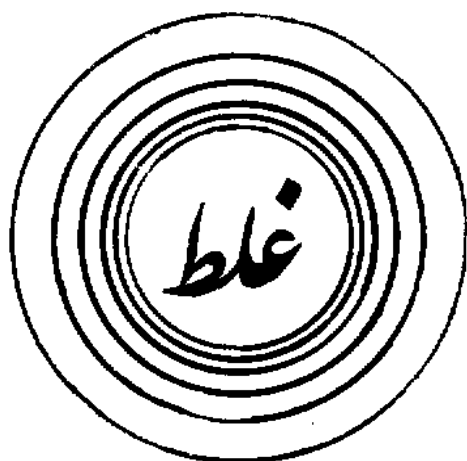




محابسات

| در صنعتی کردن جامعه‌ها |

دانشمندان زیست شناس با تکیه آمارها می گویند : تمدن صنعتی کنونی که همه کس اعم از زن و مرد را به کارگاه کشیده ، زنان را نازا و عقیم می کند و جنس ثالثی بوجود می آورد که از خصایص زنان در آن خبری نیست و باین ترتیب ضربه سخته بر پایه های خانواده می زند .

از یکسو نهضت علمی و عقلی جدید در روحیه طبقه متوسط تمایلی شدید پدید آورد که با کار و کوشش مداوم به پیشرفت و نبوغ برسند، و از سوی دیگر طبقه امراء و زعمای دینی بالای سرشان بودند و کوشش فراوان داشتند که آنانرا بزنجیر تقلید ببندند، از کلیسا گرفته تا ارتش و دادگستری، و از کاخهای فرمانروائی گرفته تا کشتزارها و تجارتخانه ها هر شعبه ای از شعب زندگی و هر مؤسسه ای که برای تنظیمات اجتماعی تاسیس شده بود همگی بر اساس نظامی جریان داشت که به برخی از طبقات ویژه بدلیل امتیازات سابقه دار و

د بزرگان فلسفه و ادب و علوم طبیعی که پرچم اصلاح طلبی را در قرن هیجدهم باهتر از در آوردند با نظامی از تمدن مواجه بودند توأم با قید و بندهای گوناگون، و خشونت و نرمش ناپذیری، و سخت گیری، و عدم گذشت بسیار؛ و آکنده از تقلیدها و قوانین خشک و راههای متناقض با فطرت و عقل... چیزی که غلظت مسئله را بیشتر می کرد (۱) این بود که آن قوم، در طول قرون پیوسته با انحطاط میگرایی شدند؛ و این يك گذرگاه صعب العبور در کلیه راههای ترقی بود .

(۱) ترجمه آزاد از اصطلاح رائج نویسندگان عرب: (زاد طینه بلة) که بدین معنی است: رطوبت گل آنرا بیشتر کرد.

حقوق موروثی ای که داشتند امکان میداد که به کارگران مبارز و سخت کوشیکه از طبقه آنان نبودند زور بگویند، وستم روا دارند؛ و ثمره کارشان را ببرند، و فرآورده آب و نان روزانه آنها را ویژه خود سازند.

و از این رو بود که هر کوشی از جانب کسانیکه برای اصلاح این اوضاع و احوال قیام میکردند در برابر قدرت و جهالت طبقات حاکمه و مسلط، بی-نتیجه میماند و شکست میخوردند.

این بود گواهی نویسنده معروف ابوالاعلی مودودی در کتاب «الحجاب» در خصوص پاره ای از جوانب تمدن موجود. او سپس اضافه میکند:

بهمه این دلایل و با گذشت ایام، در دل طبقاتیکه سرود اصلاح میخواندند نائره يك انقلاب افراطی شعله کشید، تا بدانجا که سرانجام جنبش عصیان؛ و انقلاب برضد نظام اجتماعی موجود، بر مردم چیره گشت و همه گیر شد؛ و نظریه افراطی (آزادی فردی) با این هدف که به فرد در قبال اجتماع، آزادی تام و بی بندوباری کامل ارزانی دارد در میان مردم رواج یافت.

انقلابیون فریاد برآوردند که فرد باید حق مطلق داشته باشد که هر چه میخواهد، بکند و آزادی مطلق داشته باشد که هر چه میخواهد ننکند، و اجتماع حق ندارد آزادی شخصی فرد را از او بازستاند...

و از اتفاقات غریب آنکه عوامل دیگر تمدن نیز

بدین انقلاب فکری که در عنفوان جوانی بود کمک کرد.

چه در این عصر بود که انقلاب صنعتی معروف پدید آمد و دگر گونیهای مهمی در زندگی اقتصادی بدنیا آورد که یکی از اثرات آن بر زندگی متمدن این بود که کمک کرد تارویه سیر اجتماع نوبسوئی رو آورد که آداب انقلابی میخواست رویه اجتماع را بدانسو بگرداند:

اختراعات میکانیکی و امکانات ازدیاد تولید صنعتی (Mass production)

ایدئولوژی (آزادی فردی) را که نظام سرمایه داری بر پایه آن پدید آمده بود استحکام و تقویت بخشید و آنگاه طبقات سرمایه دار، مؤسسات صنعتی و تجارتي بزرگی بوجود آوردند و مراکز جدید صنعت و تجارت بصورت شهرهای آبادی درآمد که میلیونها مردم از دهات و آبادیها بسوی آن کشانده شدند، و وسایل زندگی بطور فاحشی گران شد، و نرخ ضروریات زندگی از خوراك و پوشاك و مسكن بگونه ای توانفرسا بالا رفت، علاوه بر این وسایل بیشمار زندگی جدید بدلایلی که پاره ای مربوط به پیشرفت تمدن و پاره ای مربوط به مساعی ثروتمندان بسود افزایش یافت.

ولی نظام سرمایه داری ثروت را طوری بین مردم تقسیم نکرد که همه افراد وسیله داشته باشند تا بدین بهره بریها و کاموریها و زیور و آلاتی که نظام مزبور وارد زندگی کرده بود دست یابند. این نظام برای توده مردم حتی آنقدر وسایل فراهم نکرد

نیست، بلکه (بهشتهائی است که از زیر آن
نهرها جاری است) (۱).

«مسئله بدینجا متوقف نماند؛ بلکه نظام سرمایه-
داری که پایه های خود را بر ایده «آزادی فردی»
گذاشته بود از راه رسید و به فرد حق مطلق داد که
آزاد از هر گونه قید و شرط و بهر طریق ممکن ثروت
بدست آورد.

فلسفه اخلاق نیز از نظام سرمایه داری پیروی
کرد، هر گونه وسیله ای را که مردمان برای
تحصیل پول پیش گیرند مجاز شمرد؛ هر چند که
ثروتمند شدن کسان بهر راه و بهر وسیله، افراد
بسیار زیادی را بنا بودی کشد....

و بدینسان نظام تمدن از آغاز تا انجام بصورتی
تألیف یافت که «فرد» از هر سو بر «جمع» برتری
یافت؛ و ضمانتی برای حفظ مصالح جمع در
برابر برتری فرد وجود نداشت آنگاه راه برای
«آزمندان» و «برتری طلبان» باز شد، تا بهر گونه
که خواهند جمع را مورد حمله و تجاوز قرار
دهند. اینان آهنگ غرائز انسانی کردند و در
جستجوی نقاط ضعف و خلل در این غرائز برآمدند،
و برای آنکه غرائز نامبرده را در استخدام خویش
درآوردند، براه تنوع و تفنن رفتند!

یکی برخاست و گناه شرابخواری را در

که بتوانند نیازهای حقیقی زندگی - یعنی
مسکن و خوراک و پوشاک - خود را در آن شهرها
که بدان رانده شده بودند تامین کنند.

و یکی از نتایج آن، این شد که برای فرد حتی
تأمین زندگی خویش ناشدنی گشت، تا چه رسد که
بستگان خود را سرپرستی کند،

احوال اقتصادی ایجاب کرد که هر فردی از افراد
اجتماع بکار و کسب پردازد و از این رو «زنها»
از هر طبقه که بودند (دوشیزگان، زنان شوهردار
و بیوه زنان) ناچار شدند آهسته برای کسب روزی از
خانه غا بدر آیند.

«و چون بدینسان اختلاط جنسی و بر خورد
مردان و زنان بیشتر شد و عواقب طبیعی آن در اجتماع
آغاز به ظهور کرد، ایده «آزادی فردی» و فلسفه
نوین اخلاق پیشرفت نمود و تاحدی به دلهره پدران
و دختران و خواهران و برادران و شوهران و زنان
آرامش داد؛ و بروحیه نا آرامشان اطمینان بخشید
که آنچه در برابر چشمشان میگذرد فاقده هر گونه
عیب است و نباید در این زمینه ترسی بخود راه دهند!؛
زیرا این سقوط نیست، بلکه نهضت و پیشرفت
(emaneipation) و نه فساد اخلاقی، بلکه
عین کامجویی و بهره وری است که آدمی باید از
زندگی خود بر گیرد!؛ و این پرتگاهی که سرمایه-
داری ایشان را بسوی آن میراند پرتگاه آتش

(۱) گوئی این مرد فاضل و عمیق و تیزبین، رویه ای را شرح می دهد که روزنامه نگاران و داستان-
نویسان و دستگاههای تبلیغاتی گوناگون با کوشش مداوم و اصرار فراوان بکار می برند.
«پروتوکولات صهیون» میگوید که: در بین کلیه ملل بدین خرابکاری دست خواهیم زد تا سرانجام
همگان بدست قدرت «صهیون» افتند! (قطب).

وقتی دوست من، خانم دکتر، در را با عجله باز کرد، بسیار تعجب کردم زیرا دیدم يك سبب زمینی در دست دارد و آنرا **پوست** می‌کند. آنگاه مرا با لطف به آشپزخانه برد تا آنجا با هم بسخن نشینیم.

حالت دهشتی که بمن دست داده بود از نظر او ناپدید نماند و لذا آغاز سخن کرد و گفت:

چنین منظره‌ای را توقع نداشتی: يك خانم دکتر، در آشپزخانه، روزیکشنبه!

با خنده گفتم:

ممکن است معنی کار کردن روزیکشنبه را بفهمم ولی انتظار نداشتم شما با شغل شاقی که دارید باشپزی پردازید. در پاسخ گفت:

اگر برعکس فکر میکردی صحیح تر بود. زیرا کار کردن روزیکشنبه نزد ما غریب است - البته منهای این فرصت منحصر بفردیکه بمن دست داد تا شما را ببینم - ولی فکر نمیکنم با اشتغال باشپزی ازدائرة شغل خود پافرا تر گذاشته باشم زیرا این يك نوع چاره‌جویی برای حالت اضطراب آلوده - ایست که من و خانم های دیگری که بمشاغل عمومی می‌پردازند، داریم.

از او پرسیدم در حالیکه وضع اجتماعی زن‌گری مستحکم شده، رمز این اضطراب آلودگی چیست؟ گفت:

این اضطراب آلودگی بارنج دیگر گونی های نسل جدید زنان شرقی ربطی ندارد و بلکه ندای

میان مردم رواج‌دار تائروتی بجیب زند، کسی هم برای نجات اجتماع از شر این طاعون بر نخاست.

دیگری برخاست و خلق الله را به آفت ربا

دچار کرد و دام خویش را، دور و نزدیک، در افکند، و کسی نبود که نگذارد این زالو بخون مردم بچسبد، بلکه قوانین بمحافظت این جانور ك خون - آشام پرداختند که کسی تا آخرین قطره خون خود از شر او درمان نماند.

سومی برخاست و در اجتماع روشهای ابتکاری

قمار را شایع ساخت تا بدانجا که هیچ شعبه‌ای از شعب تجارت از این عنصر، سالم نماند و کسی نبود که برای حفظ حیات اقتصادی از این تب سوزان گامی فراتر نهد.

* * *

اکنون بگوای يك خانم پزشك كوش میکنیم.

این گواهی را (**دکتر عایشه عبدالرحمن بنت الشاطی**) تحت عنوان (**جنس سوم در راه ظهور**) از مشاهدات خود در « **وین** » از قول يك خانم پزشك نقل کرده است:

« شرایط مساعد شده که در تعطیلی یکشنبه بیدار دوستم که يك خانم طبیب بود یکی از ناحیه های وین بروم. این کار را پس از يك هفته خسته کننده که در میان متون عربی (نوشته بر پاپیروس) (۱) در کتابخانه گذرانده بودم انجام دادم. فکر میکردم یکشنبه مناسبترین وقت برای چنین دیدار است.

(۱) بین الاوراق البردی العربی. (متن) «بردی» يك نوع گیاه بوده مثل نی که مصریهای قدیم بر آن چیزی می نوشتند (المنجد)

واکنشانه درونی ناشی از احساس شعور به آغاز
تطور جدیدی است که علمای اجتماع و فیزیولوژی
و بیولوژی در مورد زن کارگر انتظار داشتند و این ،
آنگاه پیدا شد که دانشمندان ملاحظه کردند در
کیان موجودیت زن تغییرات کندی صورت میگیرد.
تغییراتی که اگر آمار نشان نمیداد میان زنهای شاغل
کمبود نوزادان شیوع یافته، در آغاز موجب برانگیختن
آگاهی نمیشد .

در ابتدا گمان بر این بود که این کمبود ،
اختیاری محض است ، زیرا زن کارگر زیر فشار
احتیاج و تسلط بر کار حرص دارد که از بار سنگین
بارداری و زایمان و شیر دادن سبک گردد، ولی از
بررسی آمار معلوم شد که نقص موالید زنان کارگر غالباً
اختیاری نبوده ؛ بلکه **بر اثر نازائی سخت علاج**
است و از بررسی نمونه های پراکنده و گوناگون
حالات نازائی روشن شد که این مسئله به يك
عیب واضح عضوی مربوط نیست ؛ و این بررسیهای
آماري موجب شد دانشمندان فرضیه تازه ای ارائه
دهند که چون زن کارگر بطور ارادی و یا غیر ارادی
از مشاغل مادری و دنیای (حوا) روگردان شده و
در میدان عمل به همسانی و شرکت با مرد چسبیده ،

کیان و موجودیت زنانه اش تغییر یافته

است دانشمندان زیست شناس - از لحاظ نظری - فرضیه
خود را باین قانون معروف طبیعی مستند کرده اند
که (وظیفه، عضوی آفریند) . و معنی این قانون
در مسئله مورد بحث ما اینست که وظیفه مادری در
«حوا» ویژگیهایی می آفریند که مشخص زنانگی
اوست . و این ویژگیها بتدریج بر اثر انصراف از

وظیفه مادری و ادغام آن در چیزی بنام «جهان
مردان» بناچار پنهان میشود! (دقت کنید)

آنگاه دانشمندان این فرضیه را دنبال کردند
و اتفاقاً آزمایشها بیش از آنچه انتظار میرفت مؤید
آن بود و در این حال دانشمندان با اطمینانی آمیخته
باندکی احتیاط اعلام کردند که عنقریب (جنس
ثالثی) ظهور خواهد کرد که ویژگیهای زنانه ای که
بر اثر ممارست طولانی وظیفه مادر بودن در او راسخ
شده بود، نهان خواهد شد .

این نظریه اعتراضاتی برانگیخت. یکی آنکه:
بسیاری از زنان شاغل از نازائی بیزارند و خواهان
فرزندند. دیگر آنکه اجتماع جدید، زن کارگری
را که مادر شده باشد برسمیت می شناسد، و از حق او
در کار حمایت میکند و با او - بحکم قانون - امکان
میدهد که برای تلفیق مشاغل مادری و کار روزانه
فرصت داشته باشند .

دیگر آنکه : دورانیکه ازدنیای ویژه خود خارج
شده ، از چند نسل تجاوز نمیکند در حالیکه عمر
ویژگیهای زنانه او با ازمنه وقرون بيشماری همراه
است .

اعتراضات فوق را بدینگونه رد کردند که :
تمایل زن کارگر بداشتن فرزند، پیوسته باترس از
بار گران آن توأم است وزن ، بدنبال احساس
سنگینی این بار، آزمندانه علاقه دارد که در کارگاه
از جای مطمئنی برخوردار باشند . دیگر آنکه : به
رسمیت شناختن زن کارگری که مادر میشود بجز در
محدوده ای تنگ وزیر فشار قانون ، کمتر بانجام
میرسد و صاحبکاران غالباً فرصت می یابند که زنانه

که مادر نیستند برای کاربر گزینند.

و بالاخره پاسخ باعتراض کوتاه بودن مدتی که زن از وظائف زنانگی خود خارج شده اینست که باوصف کوتاهی زمان زن در همین مدت کوتاه توجه حادی بمساوات با مرد پیدا کرده و بگونه ای عناد آمیز برای مساوات و شباهت با مرد اصرار ورزیده است، که علامات دگرگونی را زودتر پدیدار کرده، زیرا فکر مساوات با مرد عمیقاً بر اعصاب تأثیر داشته و بشدت در روحیه او رسوخ کرده است.

آنانکه بدین مسأله اهتمام دارند پیوسته مترصد تغییراتی هستند که عارض کیان و موجودیت زن می شود و با کوششی فراوان به راهنمائیهای آمار

حالات نازائی و ناتوانی از شیردادن بعلت خشکیدن شیر و لاغری اعضاء ویژه وظیفه مادری می پردازند.
(روزنامه: الاهرام)

* * *

سلسله مقالاتی که قسمت چهاردهم آن در این شماره مطالعه گردید ترجمه قسمت هائی از کتاب پرارج «الاسلام ومشكلات الحضارة» اثر نویسنده فقید سید قطب بود که ترجمه همه آن کتاب تحت عنوان «فاجعة تمدن و رسالت اسلام» بزودی منتشر خواهد شد و با آغاز سال جدید مجله بحث تازه ای را شروع خواهیم کرد.

کارها را تقسیم کن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

واجعل لكل انسان من خدمك عملاً تأخذه به فانه احري ان
لايتواكلوا في خدمتك

برای هر يك از کارکنان کار معینی قرار داده و او را مسئول آن کار بشناس زیرا این روش
سبب می شود که کمتر در کار و خدمت خود سستی کنند.

از وصایای علی (ع) فرزندش امام حسن (ع)